

اهمیت تاریخی آثار رشیدالدین و طواط

دکتر هوشنگ خسروییگی
عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور

چکیده

شناخت ما از دوره‌های تاریخی ایران در مقایسه با یکدیگر نه تنها به یک اندازه نیست بلکه گاه تفاوت‌های بسیاری نیز با یکدیگر دارند. از جمله اطلاعات ما از منابع دوره خوارزمشاهیان نشان می‌دهد که دوره تاریخی خوارزمشاهیان از نظر وجود اطلاعات از جایگاه مناسبی در مقایسه با دیگر دوره‌های تاریخی ایران برخوردار نیست. متون به جای مانده از دوره‌های تاریخی ایران بویژه سده‌های میانه‌ی تاریخ ایران، یعنی حکومت‌های ترک غزنوی، سلجوقی و خوارزمشاهی، نشان می‌دهد که جایگاه خوارزمشاهیان از نظر وجود منابع و مآخذ و همچنین پژوهش‌های صورت گرفته بسیار فروتر است. هدف این مقاله باز شناسی آثار رشیدالدین و طواط رئیس دیوان انشای اتسز خوارزمشاه به منظور ارزیابی اطلاعات ارائه شده در آثار او در مطالعات تاریخی سلسله خوارزمشاهیان است.

واژگان کلیدی: اتسز، دیوان انشا، رشیدالدین و طواط، خوارزمشاهیان، منشآت.

تاریخ پذیرش: 88/3/25

تاریخ دریافت: 87/12/11

E-mail:

مقدمه

منابع موجود از دوره خوارزمشاهیان اندک است. این امر نه به آن دلیل است که نوشته‌ای وجود نداشته و یا مورخان و نویسندگان نسبت به نگاشتن حوادث اقدام نکرده‌اند، بلکه به نظر می‌رسد به آن دلیل است که بسیاری از آثار نوشته شده، بر اثر ایلغار مغول طعمه هدم و نابود شده‌اند.

در این فاجعه، طبیعی است که بسیاری آثار و دست‌نوشته‌ها مورخان و نویسندگان این دوره نیز به غرقاب حوادث گرفتار شوند. به همین لحاظ حمله‌ی مغول نه تنها موجب نابودی بسیاری از آثار مادی شد، بلکه در نابودی بیش از اندازه آثار فرهنگی این سرزمین، نیز موثر بود. همچنین بسیاری از نویسندگان یا قلم به دستانی که خود شاهد حوادث و وقایع دوره خوارزمشاهی بودند، در حمله‌ی مغول به تیغ شمشیر بلا گرفتار آمدند. اهمیت این موضوع آنجا افزون می‌شود که در می‌یابیم بسیاری از این افراد از شخصیت‌های دیوانی و کار به دستان اداری حکومت خوارزمشاهیان بوده و هریک می‌توانسته‌اند ذخیره ارزشمندی از اطلاعات حکومتی خوارزمشاهیان را برای ما به یادگار نهند. به نوشته‌ی نسوی در زمان سلطان جلال الدین، کسی که بتواند شرح احوال سلطان را بنویسد یافت نمی‌شد. (6:1365). همچنین این حدس آنجا افزون تر می‌شود که در یابیم اندک آثار بااهمیت باقی مانده نیز به حاصل قلم گروهی از این اندیشمندان بوده که جان به سلامت بدر برده‌اند.

از جمله منابعی که در مورد خوارزمشاهیان بوده و از میان رفته است می‌توان به "شاهنشاهنامه" اثر محمد پاییزی، (عوفی، 1361: 345) "تاریخ خوارزمشاهی" اثر سیدصدر الدین نیشابوری، "مشارب التجارب" از ابن فندق، تاریخ خوارزم از ارسلان خوارزمی، "رساله العاصمیه" از شهاب الدین سهروردی و رساله‌های شهفور نیشابوری اشاره کرد. (جوینی، 1367: 1/2: قفس اوغلی، 1367: 7) ابن فندق از وجود اثری به نام "خوارزم" تصنیف السری بن دلویه یاد کرده است. (21) نسوی هم چنین یادآور شده که "طایفه ای از افاضل شرق که ایشان را صناعت خطی و از بلاغت سهمی بوده است" اخبار خاندان خوارزمشاهیان را تالیف کرده‌اند (5:1365).

به همین لحاظ شناسایی آثار پراکنده ای که بتواند ما را در بررسی هر چه بیشتر تاریخ این دوره یاری دهد ارزشمند است.

از دوره خوارزمشاهی منشآت سه تن از دبیران و کاتبان دیوان انشاء سلاطین خوارزمشاهی را در دست داریم. اولین آن، مجموعه مکاتبات رشیدالدین وطواط است. وی حدود سی سال صاحب دیوان انشاء آتسز خوارزمشاه بود و تقرب زیادی نزد او داشت. آثار وطواط اطلاعات گرانبهایی در خصوص حکومت خوارزمشاهیان در دوره آتسز و اوایل سلطنت تکش در اختیار ما قرار می دهد. با توجه به قلت اطلاعات ما در ارتباط با دوره خوارزمشاهیان آثار وطواط می تواند کمک موثری برای شناخت هر چه بیشتر این دوره تاریخی محسوب شود. به همین لحاظ ضرورت دارد هر چه بیشتر زندگی و آثار رشیدالدین وطواط شناخته شود و زمینه های بهره گیری از این آثار به منظور پژوهش در تاریخ خوارزمشاهیان مورد توجه قرار گیرد.

رشیدالدین وطواط

رشیدالدین سعدالملک محمدبن محمدبن عبدالجلیل عمری کاتب بلخی معروف به رشیدالدین وطواط در حدود 480 ق در بلخ به دنیا آمد. یاقوت حموی نسب اجداد او را به عمر بن خطاب می رساند. (حموی، 1229: 29-19) وطواط در نظامیه بلخ در نزد امام ابوسعید هروی به تحصیل علم پرداخت. پس از تسلط خوارزمشاهیان بر بلخ، وطواط به خدمت آتسز خوارزمشاه پیوست. حضور وی در آغاز فرمانروایی آتسز سومین فرمانروای خوارزمشاهیان بود، زیرا وطواط در اشعار خود تاکید می کند که سی سال در خدمت آتسز بوده و با توجه به مدت فرمانروایی آتسز (از 522 تا 551)، استنباط می شود که ورود وطواط در دربار آتسز در سال های آغازین فرمانروایی او بوده است (وطواط، 1339: 77).

به نظر می رسد وطواط در آغاز و تا 536 ق به مناصب دبیری، شاعری دربار و منادمت اشتغال داشته است، ولی ظاهراً وی در این ایام مقامی فراتر از یک دبیر داشته و شاید به واسطه ذوق شاعری، تقرب بیشتری نزد آتسز داشته است. به دلیل همین تقرب بود که ظاهراً پس از یعقوب ابن سیرین الجندی، یعنی حدود 536 ق متصدی دیوان انشا شد و تا اواخر حکمرانی آتسز یعنی حدود 548 ق. این مسؤولیت را برعهده داشت. پس از آن به جرم سوءظنی که آتسز از او برد، مطرود شد. علت این سوءظن آن بود که آتسز در 547 ق عزم حمله به نواحی ترکستان کرد و از کمال الدین والی جند یاری طلبید، ولی کمال الدین نه تنها او را یاری نداد، بلکه با سپاهیان از جند گریخت. آتسز گروهی از معاریف را به استمالت او فرستاد و

کمال الدین به واسطه اینکه راه به جایی نداشت به دربار آتسز آمد و تا پایان عمر در دربار آتسز به صورت غیر رسمی در بند بود. چون میان کمال الدین و رشیدالدین وطواط ارتباط دوستی استوار بود، ظاهراً گروهی از حاسدان به آتسز این گونه القا کردند که رشید از مدت‌ها پیش از تصمیم کمال الدین مبنی بر مخالفت با آتسز اطلاع داشته و به عرض آتسز نرسانده است (میرخواند، 1339: 361). وطواط پس از آن عذرهای فراوانی از آتسز خواست و در اشعار فراوانی که به حضور آتسز فرستاد طلب بخشش کرد (وطواط، 1339: 7، 8، 54). مشخص نیست که آتسز از خطای او درگذشت یا خیر؟ اگر آتسز در این واقعه نیز از خطای او درگذشته است، ظاهراً مجدداً وطواط خطایی دیگر را مرتکب شده و مجدداً از درگاه آتسز رانده شده است، زیرا در هنگام مرگ آتسز، وطواط به درگاه خوارزمشاهیان راه نداشت. علت این استنباط که آتسز در مرتبه اول از خطای وطواط درگذشته آن است که وی در اشعار خود اشاره به سی سال خدمت در درگاه آتسز دارد و با توجه به دوره حکمرانی آتسز (از 522 تا 551) که حدود 29 سال می‌شود، می‌توان این گونه استنباط کرد که برخی اشعار عذرخواهی وطواط مربوط به دومین دفعه بوده است. زیرا در مرتبه اول که وطواط از دربار طرد شد (حدود 548 ق.)، مدت حضور وطواط به سی سال نرسیده بود.

به نوشته اقبال، رشیدالدین وطواط لااقل در یک قسمت از دوره سلطنت ایل ارسلان همان منصب سابق را برعهده داشت (وطواط، 1362: مقدمه: "س"). ولی به نظر نمی‌رسد رشیدالدین در این دوران به دربار بازگشته و یا مسؤولیت دیوانی یا درباری پذیرفته باشد. زیرا در دیوان اشعار او مدحی از ایل ارسلان وجود ندارد و فقط در یک مورد در تهنیت ولادت دو فرزند آتسز از ایل ارسلان یاد کرده است (وطواط، 1339: 188)، هم چنین بعید به نظر می‌رسد که وی در دربار بوده و مدح ایل ارسلان را نگفته باشد. مضاف آنکه در دیگر آثار وطواط به جز یک مورد که از آن یاد خواهد شد اشاره‌ای به این موضوع نشده است.

در مکاتبات وطواط نیز از میان نامه‌های موجود، دو نامه از سوی وطواط به ارسلان شاه در دست است که در صورت صحت انتساب نامه‌ها به وطواط، محتوای نامه‌ها به گونه‌ای است که نشان نمی‌دهد وی در دربار ایل ارسلان متصدی منصب بوده باشد (وطواط، 1338: 106-103). گرچه رشیدالدین وطواط یکی از آثار خود با عنوان "فصل الخطاب من کلام عمر بن

الخطاب" را به " ابوالفتح خوارزمشاه ایل ارسلان" تقدیم کرده، ولی از این تقدیم نمی‌توان استنباط کرد که وی مسؤولیتی در دربار ایل ارسلان داشته است. مضاف آنکه عباس اقبال اثر فوق را به استناد نسخه خطی موجود در کتابخانه پاریس به نام محمدبن ایل ارسلان یعنی سلطان شاه ضبط کرده است (وطواط، 1362: مقدمه: "ند").

رشیدالدین وطواط در دوره سلطان شاه و تکش، دوره پیری و بیماری را طی می‌کرد. در هنگام به تخت نشستن تکش خوارزمشاه، وطواط را با محفه ای به دربار آوردند و وی از سلطان عذر طلبید که به دلیل ضعف و پیری نتوانسته در مدح سلطان شعری بسراید. با این حال همان گونه که یاد شده در دربار ایل ارسلان و سلاطین پس از او مسؤولیتی نداشته است. وی در دوره پس از خروج از خدمت آتسز، نه تنها شعری در مدح سلاطین خوارزمشاهی پس از آتسز نسروده، بلکه مدایحی به نام چهار تن از پادشاهان و فرمانروایان معاصرش سروده است، که در خارج از سرزمین خوارزم فرمانروایی داشته‌اند. بعید به نظر می‌رسد که وی در خدمت خوارزمشاهیان حضور داشته و ممدوح او دیگر فرمانروایان بوده باشند (وطواط، 1339: 6، 296، 365).

رشیدالدین وطواط جثه ای کوچک و اندامی ضعیف داشت و ظاهراً به همین دلیل او را وطواط می‌نامیدند. وطواط نام مرغی از گونه پرستو است. مرگ رشیدالدین وطواط در 573 ق در خوارزم روی داد (حموی، 1229: 30).

به نوشته‌ی منابع، وطواط در فنون انشا ادبیات و نظم و نثر فارسی و عربی تبحر فراوانی داشت (همان: 29) و آثاری نیز از وی در این زمینه‌ها به جای مانده است. رشیدالدین به دلیل اینکه هم در زبان فارسی و هم در زبان عربی متبحر بود و تالیفاتی به دو زبان دارد، از جمله ادیبان و شاعران ذواللسانین است. وطواط در تاریخ شعر و ادب فارسی از گویندگان طراز اول به شمار نمی‌رود ولی از ادیبانی است که در نظم و نثر فارسی و عربی به استادی شناخته شده است. شعر فارسی وطواط، مجموعه ای از صنایع شعری است که با کمال استادی در عین تکلف اعمال شده و سلاست بیان و سلامت الفاظ را از دست نداده است. عبدالواسع جبلی از شاعران معاصر رشید در شعری توانایی رشیدالدین را ستوده است (جبلی: 613).

عالم علم رشیدالدین در باغ خرد
آن درختی است که همواره هنر باردهد
گرچه در گفتن اشعار چنان منفرد است
که همه کس به بزرگی وی اقرار دهد
آن تبحر که رد انواع علوم است او را
خاطر خویش نزیب که به اشعار دهد

رشیدالدین با شعرا و بزرگان ادب بسیاری ارتباط داشت. خاقانی شروانی، انوری، سوزنی سمرقندی، ادیب صابر و جاراالله زمخشری از جمله این بزرگان هستند.

آثار رشیدالدین وطواط

از رشیدالدین وطواط آثاری به شرح زیر در دست داریم:

1- مهم ترین آثار وطواط، منشآت اوست که به دو زبان فارسی و عربی نوشته شده است. در حقیقت منشآت رشیدالدین، مستندترین مجموعه اطلاعات را در خصوص اوضاع سیاسی و تشکیلات اداری حکومت خوارزمشاهیان تا پیش از دوره سلطنت تکش در اختیار ما قرار می دهد. خود رشیدالدین تعدادی از این منشآت را در دو مجموعه با عناوین "ابکار الافکار فی الرسائل و الاشعار" و "عرائس الخواطر و نفاثات النوادر" گرد آورده است (وطواط، 1335: 2-3، 69). مجموعه عرائس الخواطر در دو بخش تنظیم شده است. بخش اول شامل بیست و پنج نامه به عربی و چند رقعۀ کوتاه و بخش دوم شامل بیست و پنج نامه فارسی و نیز چند رقعۀ کوتاه است. مجموعه ابکار الافکار نیز در چهار بخش تدوین یافته است. قسم اول مشتمل بر دو نامه به عربی و قسم دوم شامل ده نامه به عربی و چند قطعه است. قسم سوم نیز ده نامه به فارسی و قسم چهارم نیز ده قصیده به فارسی و چند قطعه و غزل و چند رباعی را در بر می گیرد. این مجموعه ها، مشتمل بر مکاتبات با وزیر خلیفه عباسی، سلاطین و فرمانروایان معاصر خوارزمشاهیان، از جمله سلطان سنجر سلجوقی و دیگر امرا و وزراء و نیز برخی فرامین و نامه های خصوصی وطواط به دوستانش است. تاریخ نگارش نامه ها، مشخص نیست و تعیین تقدم و تاخر هر یک از نامه نیز مشکل به نظر می رسد. با این حال معلوم است که تقریباً تمام

مکتوبات، مربوط به دوره آتسز خوارزمشاه است. این دو مجموعه به وسیله دکتر قاسم تویسرکانی در 1338 ش به چاپ رسیده است.

سبک نامه‌های رشید در این مجموعه منشآت، همان سبک عمومی دوره سلجوقیان است که در میان نویسندگان خراسان معمول بوده، و با اندک تغییراتی از سبک منشآت دوره غزنویان مانند منشآت ابونصر مشکان و ابوالفضل بیهقی ریشه گرفته است.

2- "عمدة‌البلغا و عمدة‌الفصحا" شامل 25 نامه به عربی، پنج نامه به فارسی، 25 قصیده به عربی و پنج قصیده به فارسی است. نسخه خطی این مجموعه در کتابخانه‌های اسد افندی و ایاصوفیه ترکیه موجود است، ولی تاکنون نشر نیافته است. برخی مکتوبات این مجموعه در دیگر مجموعه‌های وطواط موجود است.

3- مجموعه‌ای از منشآت رشیدالدین وطواط نیز در کتابخانه نور عثمانیه استانبول است. بخش‌هایی از این منشآت نیز در مجموعه‌های دیگر موجود است (ففس اوغلی، 1367: 13 و 9).
4- ظاهراً تعدادی از منشآت رشیدالدین وطواط در موزه آسیایی انجمن لنینگراد موجود است (وطواط، 1362: مقدمه «مو»).

5- "فتح‌نامه جند" و چهار نامه کوتاه از رشیدالدین در یک مجموعه منشآت با عنوان "المختارات من الرسائل" نیز حفظ شده است.

6- دو نامه از او نیز در انتهای مجموعه "عنه الکتبه" موجود است.
7- "مطلوب کل طالب" یا "صد کلمه منظوم" رساله‌ای در نوع خود کم نظیر و مشتمل بر سخنان حکمت آموز حضرت علی (ع) با شرح و توضیحات به عربی و فارسی است. مقدمه‌ی این اثر در معرفی خانواده خوارزمشاهیان و القاب سلاطین خوارزمشاهی می‌تواند موثر واقع شود. این صد کلمه در نیمه اول قرن سوم هجری به انتخاب جاحظ فراهم آمده، و در میانه قرن ششم هجری به همت رشیدالدین وطواط شرح و تفسیر شده است. این رساله با حجم اندک خود از نظر تاثیر در متون آموزشی فارسی کم نظیر است.

پس از وطواط کتاب‌ها و رساله‌های گوناگونی به شیوه و همانند مطلوب کل طالب تالیف یافته‌اند. کمال الدین میثم بن علی میثم بحرانی، دانشمند شیعی (فوت 679 ق) از کسانی است که صد کلمه امام علی (ع) را به زبان عربی شرح کرده است.

نظام الدین محمود بن حسن الحسنی، ملقب به داعی الی الله و مشهور به "شاه داعی شیرازی" (فوت 870 ق) ترجمه‌ی چهل سخن منسوب به امام علی(ع) را به نظم آورد و آن را "ترجمه‌ی الاخبار العلویه" نامید.

نسخه خطی این اثر در مجموعه شماره 4379 کتابخانه ملک موجود است. این نسخه توسط محمود عابدی در سال 1365 ق تصحیح و به چاپ رسیده است.

8- "تحفه الصدیق الی الصدیق من کلام ابی الصدیق" مجموعه‌ای مشتمل بر کلمات ابوبکر، خلیفه‌ی اول، است. برای بررسی تاریخ خوارزمشاهیان، مقدمه‌ی آن تا حدودی می‌تواند موثر واقع شود. نسخه‌هایی از این مجموعه، در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و نیز کتابخانه‌های دانشگاه استانبول و ایاصوفیه موجود است.

9- "فصل الخطاب من کلام عمر بن الخطاب" مجموعه‌ای از سخنان عمر بن خطاب، خلیفه‌ی دوم، است. نسخه‌ی خطی این مجموعه در دانشگاه استانبول نگهداری می‌شود.

10- "انس اللهفان من کلام عثمان بن عفان" مجموعه‌ای از سخنان عثمان بن عفان، خلیفه سوم، است.

11- مجموعه‌ای از سخنان رشیدالدین و به نام هفت تن از وزرا، امرا و شاهزادگان که در هفت بخش و با عناوین زیر تدوین شده است:

11-1- "غرایب الکلم فی رغائب الحکم" به نام "ملک وزرا، الشرق و الغرب ابی المفاخر قاسم بن عراق".

11-2- "عقود الثالی و سعود اللیالی" به نام "قاضی القضاة جواد خوارزم و خراسان معزالدین اب المفاخر مسعود بن یوسف".

11-3- "بغیه المتکلمین و غنیه المتعلمین" به نام "تاج الدوله و الدین پهلوان العرب و العجم اسفہسالار الشرق و الغرب ابی الفتح علی بن عمادالدین ایلخان بن خوارزمشاه".

11-4- "غرر الاقوال و درر الامثال" به نام سلطان شاه ابوالقاسم محمود.

11-5- "الکلم الناصحه و الحکم الصالحه" به نام "عمادالدین اقصی قضاة العالمین صدر صدور وزراء الشرق و الغرب" (وطواط، 1338: مقدمه، 63). نسخ خطی این مجموعه در

کتابخانه‌های ملی پاریس، ایاصوفیه و استانبول نگهداری می‌شود.

- 11-6- "مفاتیح الحکم و مصابیح الظلم" به نام "لشگرکش ایران و توران ابوعلی الحسین بن خوارزمشاه محمد".
- 11-7- "جواهر القلائد و زواهر الفرائد" به نام "طغرل سوم قلع اسفہسالاریک ابی شجاع محمد بن الحسن بن عبدالرحیم عماد امیرالمومنین" و به زبان عربی است. نسخه خطی این اثر نیز در کتابخانه های ملی پاریس، ایاصوفیه و استانبول و کتابخانه عمومی استانبول نگهداری می شود. وراوینی در مرزبان نامه، نام این اثر را "فوائد قلاید" می نویسد (وراوینی، 1355: 6).
- 12- "رساله در عروض یا اقسام عروض شعر فارسی" نسخه خطی این اثر در کتابخانه ملک و کتابخانه شهید علی پاشا در استانبول موجود است.
- 13- "ادبیات اوزان دو بیتی" نسخه خطی این اثر نیز در کتابخانه ملک موجود است.
- 14- "لطایف الامثال و طرایف الاقوال" شرح فارسی 281 مثل عربی است. این اثر به فرمان آتسز و برای خزانه کتاب او نوشته شده است. انگیزه آتسز آن بود که با فراگیری امثال عرب و به کاربردن این امثال سخنان خود را آراسته گرداند (وطواط، 1376: 39). این اثر یک بار در سال 1358 به کوشش سیدباقر سبزواری به چاپ رسید. مجدداً در 1376 ش به تصحیح حبیبه دانش آموز به چاپ رسیده است. برخی در انتساب این اثر به رشید به دیده تردید می نگرند.
- 15- "بدایع الترصیعات و رواعع التسجیعات" که به "ابوداود سلیمان" پسر آتسز پیشکش شده و به زبان عربی است. نسخه دست نویس آن در کتابخانه احمد ثالث استانبول نگهداری می شود (دانشنامه ادب فارسی، 1380: 1-454).
- 16- "حدائق السحر فی دقایق الشعر" که مشهورترین اثر رشیدالدین وطواط است. این اثر از نظر بررسی تاریخ خوارزمشاهیان اهمیت اندکی دارد. ولی از نظر ادبی، اهمیت فراوانی بر آن مترتب است (وطواط، 1362: مقدمه "الف"). عباس اقبال دلایل اهمیت این کتاب را به لحاظ قدمت آن و تسلط وطواط بر ادب عربی و فارسی بر می شمرد. حدائق السحر اولین کتاب فارسی در صنایع شعر است. این کتاب به دلیل کوچکی و اهمیت موضوع و نیز شهرت مولف مورد توجه ادبای فارسی زبان قرار گرفت و نگارش آن باب مخصوصی در ادبیات فارسی گشود. همچنین در حدائق السحر اطلاعات ادبی و اندکی اطلاعات تاریخی وجود دارد که قابل

توجه است. برخی از اشعار از دیگر شعرا نیز فقط در این اثر باقی مانده است (وطواط، 1369: مقدمه صفحه "الف و ب").

17- رشیدالدین وطواط دیوان شعری نیز دارد. این دیوان گذشته از اهمیت ادبی آن در خصوص ارائه اطلاعاتی در مورد جایگاه سلطان، صفات، وظایف این مقام، شناسایی خانواده سلطان و نیز برخی اصطلاحات سیاسی و اداری و اجتماعی قابل اهمیت است.

ارزیابی اطلاعات تاریخی آثار رشیدالدین وطواط

با توجه به دوره زیست وطواط، عمده ترین اطلاعات تاریخی که او در اختیار ما قرار می دهد مربوط به دوره آتسز خوارزمشاه است. این اطلاعات با توجه به نوع استفاده از آن به صورت زیر قابل تفکیک است:

1- تاریخ سیاسی خوارزمشاهیان:

به یمن آثار شهاب الدین نسوی یعنی کتابهای "سیرت جلال الدین مینکبرنی" و "نفته المصدور" و کتابهای "الکامل فی التاریخ" اثر ابن اثیر، "تاریخ جهانگشای جوینی" از عظاملک جوینی و "طبقات ناصری" از منهاج السراج جوزجانی تقریباً اطلاعات مناسبی از تاریخ سیاسی خوارزمشاهیان در دست داریم. ابراهیم قفس اوغلی مورخ ترک نیز به استناد این آثار گزارش نسبتاً کاملی از رویداد های سیاسی خوارزمشاهیان تدوین کرده است. ولی بیشترین این اطلاعات مربوط به دوره حکومت تکش خوارزمشاه و پس از آن است. به همین لحاظ اطلاعات وطواط از دوره حکمرانی آتسز و وقایع سیاسی این دوره حائز اهمیت است. از مهمترین این اطلاعات، مناسبات آتسز خوارزمشاه با دیگر فرمانروایان است.

اسارت سلطان سنجر سلجوقی به دست غزان در سال 485 ق فرصت مناسبی برای تحقق اهداف آتسز به منظور کسب استقلال سیاسی از سلجوقیان بود. آتسز در ابتدا امنیت سرزمین خویش را بر علیه حملات غزها تحکیم بخشید و کوشش کرد از موقعیت حاصل شده بهره گیرد. از سوی دیگر تلاش کرد برای مقابله با غزها جبهه متحدی متشکل از نصر بن خلف ملک سیستان، ابوالفتح رستم بن علی بن شهریار اسفهدی، مازندران، ابوعلی حسین بن علی فرمانروای جبال و ناصرالدوله ابوشجاع طوطی بن اسحاق سپهسالار، سامان دهد و جایگاه خود را در این میان مستحکم دارد. وطواط گزارش این اقدامات را در اختیار ما نهاده است (وطواط، 1338: 28-19؛ و نیز آملی،

1348: 130). همچنین آتسز با زیرکی جلوس محمدبن محمد سلجوقی را که سپاهیان سلجوقی در غیاب سنجر به تخت نشانده بودند را تبریک و تهنیت گفت. به استناد مکتوبی که حاصل قلم رشیدالدین وطواط است آتسز ضمن ابراز خوشحالی از جلوس محمد سلجوقی اظهار می دارد که برای برقراری آرامش در شرق آمادگی یاری به سلطان جدید را دارد (وطواط، 1338: 15). آتسز در این مکاتبات ظریفانه این اجازه را یافت تا با موافقت سلطان سلجوقی به تحرکات نظامی در منطقه دست یازد. این امر موجب توسعه نفوذ او در ماوراءالنهر و خراسان شد به گونه‌ای که رشیدالدین فضل الله می‌نویسد که، در اسارت سنجر، آتسز "متصدی امر سلطنت شده بود" (رشیدالدین فضل الله، 1373: 318/1). ولی فرار سنجر از اسارت غرها در 551 ق برنامه‌های آتسز را قرین موفقیت نساخت. آتسز هوشیارانه آزادی سنجر را تبریک گفت. نامه او به سنجر نشانه آشکاری از سیاستمداری آتسز و توانمندی قلم رشیدالدین وطواط است. وطواط از زبان آتسز اسارت سلطان را ناشی از حکمت الهی می‌خواند و می‌نویسد: "مدت شصت و اند سال خلاقیت در ریاض عیش و لذت مقام داشته‌اند و در ضلال امن و راحت روزگار گذاشته تا بدان درجه که حشم و رعیت مست نعمت شوند و مغرور حکومت گشتند و پنداشتند کی نهاد عالم خود چنین است کی هرگز وفای او را تغیر و صفای او را تکدر نباشد و این صحیفه در نوشته بودند و از این لطیفه غافل گشته کی هر چه در عالم امداد رامش است و اسباب آرامش، همه از برکات عدل و میامن ملک خداوند عالم خلدالله ملکه است، چون حال چنین بود خدای عزوجل روزی چند از جهت تنبیه غافلان، خداوند عالم را از میان حشم و رعیت بیرون برد و در موطن ضرر و مواقف خطر به فضل خویش نگاهداشت تا بی‌جاه او هم حشم و هم رعیت دیدند از نوائب عالم آنچه دیدند و کشیدند از مصائب گیتی آنچه کشیدند و اندازه خویش دانسته و علی‌الحقیقه شناختند کی منشاء همه سعادات و مبداء همه کرامات ذات مبارک خداوند عالم خلدالله ملکه است". آتسز پس از آن با یادآوری اینکه حضور او در خراسان به علت برقراری نظم در ناحیه و مقابله با دشمنان بوده است، از سلطان کسب تکلیف می‌خواهد که در خراسان بماند یا برود و یا به خدمت سلطان شتابد (وطواط، 1338: 6-7).

نوشت و خواند آتسز با سلجوقیان پس از مرگ سنجر در 552 ق نیز استمرار یافت. وطواط مکتوبات آتسز با سلطان محمود سلجوقی جانشین سنجر و نیز سلیمان بن محمد سلجوقی را در

اختیار ما نهاده است (همان: 99، 111، 204).

تلاش آتسز برای کسب عنوان سلطان و منشور حکومت از خلیفه عباسی زمینه ساز ارتباط آتسز با خلیفه عباسی شد. در مجموعه مکاتبات و طواط چندین نامه به زبان عربی از آتسز خطاب به خلیفه عباسی موجود است (همان: 69، 70، 193).

روابط آتسز با بغراخان نیز از دیگر اطلاعاتی است که و طواط در اختیار ما نهاده است. و طواط از فرستاده محمود بن محمود بن بغراخان به دربار آتسز بنام "وثاقباشی اجل شجاع‌الدین مرنقش جاندار" نام برده است (همان: 113).

2- معرفی خاندان خوارزمشاهیان از فحوای آثار رشیدالدین و طواط:

اطلاعات ما از خاندان خوارزمشاهیان به نسبت گزارش‌های سیاسی کمتر است. گذشته از آتسز خوارزمشاه، که رشیدالدین و طواط بیشترین اطلاعات را در ارتباط با او در اختیار ما نهاده، در مورد دیگر اعضای این خاندان نیز اخباری به ما داده است. و طواط از سه فرزند آتسز نام برده است. قزل ارسلان از فرزندان آتسز بود که در کودکی درگذشت. و طواط در مرگ او مرثیه‌ای سروده است (و طواط، 1339:254). دو فرزند دیگر آتسز یعنی ایل ارسلان و سلیمان نیز در یک زمان زاده شدند. ظاهراً این دو دوقلو بوده و یا از دو زن متفاوت آتسز به دنیا آمده بودند. و طواط شعری در تهنیت ولادت این دو سروده است (همان: 188-187). رشیدالدین و طواط بعداً یکی از آثار خود با عنوان "بدایع الترصیعات و روایع التسجیعات" را به سلیمان (دانشنامه ادب فارسی، 1380: 1-454) و دیگر اثر خود با عنوان "فصل الخطاب من کلام عمرین الخطاب" را به ابوالفتح خوارزمشاه ایل ارسلان تقدیم کرد (و طواط: نسخه خطی برگ اول؛ همو، 1362: مقدمه). همچنین از و طواط دو مکتوب به ایل ارسلان در دست است (و طواط، 1338: 106-103).

رشیدالدین و طواط از "ابوالقاسم محمود" فرزند ایل ارسلان و معارض تکش خوارزمشاه نیز یاد کرده است. و طواط او را با عنوان "سلطان شاه ابوالقاسم محمود بن خوارزمشاه محمد یمین" معرفی می‌کند (و طواط: نسخه خطی صد کلمه منظوم، برگ 63) و کتاب "غررالاتوال و درالامثال" خود را به نام سلطان شاه ابوالقاسم محمود تنظیم کرده است.

سلطان تکش خوارزمشاه از معروفترین اعضا خاندان خوارزمشاهیان است که و طواط از او اطلاعاتی به ما می دهد. گزارش و طواط از تکش مربوط به دوره کهنسالی و طواط است. در هنگام جلوس تکش به تخت سلطنت، و طواط را به دلیل پیری با محفه به دربار آوردند. وی از سلطان عذر طلبید که به دلیل ضعف و پیری نتوانسته در مدح سلطان شعری بسراید.

و طواط به برخی دیگر از اعضای خاندان خوارزمشاهیان اشاره دارد. قلت اطلاعات ما در مورد این خاندان موجب شده که در حال حاضر نتوانیم این اشخاص را بخوبی بشناسیم. از جمله او کتاب "بغیه المتکلمین و غنیه المتعلمین" را به "تاج الدوله و الدین پهلوان العرب و العجم اسفہسالار الشرق و الغرب ابی الفتح علی بن عمادالدین ایلخان بن خوارزمشاه" تقدیم داشته است. احتمالاً این شخص تاج الدین علی شاه یا ملک علیشاه فرزند تکش خوارزمشاه است.

و طواط همچنین کتاب "مفاتیح الحکم و مصابیح الظلم" خود را به نام "لشگرکش ایران و توران برای ابوعلی الحسین بن خوارزمشاه محمد" نگاشته است.

مدح سلاطین خوارزمشاهی از سوی و طواط و نیز معرفی القاب و عناوین رسمی این سلاطین و توصیف صفات آنان هر چند که آکنده از غلو باشد نیز امکان شناخت بیشتر ما را از این فرمانروایان و نیز جایگاه حکمرانان خوارزمشاهی میسر می سازد. و طواط مکرر در سخنان منظوم خود به برگزیدگی خوارزمشاهیان اشاره دارد و آنان را سایه خداوند بر زمین می خواند (و طواط 1376: 39 و همو 1339: 152 47 46 و و همو 1338: 4-41 و و همو 1362: 79). با این حال در تنظیم مکاتبات آتسز با سنجر سلجوقی هوشیارانه آتسز را بنده می خواند تا تابعیت فرمانروای مخدوم خود را همانگونه که آتسز می خواهد به سنجر ابراز دارد (و طواط 1338: 103 101 99 و ...).

و طواط آتسز را با صفات عادل و غازی و عالم می ستاید (و طواط 1339: صفحات مکرر). بر همین اساس نیز برخی آثار خود را از جمله "ابیات اوزان دو بیتی" را به فرمان آتسز نوشته است (و طواط نسخه خطی ابیات اوزان دو بیتی، برگ اول). همچنین یاد آور می شود که کتاب "لطایف الامثال و طرایف الاقوال" خود را به ان علت نوشته که دریافته آتسز به فراگیری امثال

عربی علاقمند شده و می‌خواهد که سخنان خود را به "غرر عبارات و درر اشارات موشح و متزیل گرداند" (وطواط، 1376: 140).

3- صاحب منصبان دربار و دیوان خوارزمشاهیان:

گذشته از خاندان خوارزمشاهیان، وطواط برخی شخصیت‌های سیاسی و اداری حکومت خوارزمشاهیان را معرفی کرده است. مهم‌ترین این شخصیت‌ها وزرای آتسز هستند مشهورترین وزیر آتسز، مجدالدین ابومحمد صاحب بن محمد البخاری است. وطواط در دیوان خود مجدالدین صاحب را مدح گفته است (وطواط، 1339: 578). در دیوان وطواط وزرای دیگری نیز مدح گفته شده‌اند. از آن جمله "ضیاءالدین عراق بن جعفر" است (همان: 1، 106، 298، 589). وطواط "تدابیر" او در حوادث را موجب ایمن شدن سپاه می‌خواند و او را در این خصوص «ناصحی امین» معرفی می‌کند. (همان: 107) او از "شهامت" ضیاءالدین عراق نیز یاد کرده که به واسطه آن "گنجور مملکت" گشته است. (همان: 2) اطلاعات ما از ضیاءالدین عراق اندک است. اینکه نام وی قطعاً عراق بوده است، شکی نیست. زیرا وطواط بر آن تأکید کرده است (همان: 1). وی ظاهراً از خاندان آل عراق بود. از سابقه فرمانروایی این خاندان در خوارزم در پیش و پس از اسلام اطلاع در دست است (وطواط، 1338: تعلیقات 212؛ زامباور، 1381: 344). رشید از یکی دیگر از خاندان عراق نیز به نام "ملک وزراء، الشرق و الغرب ابی المفخر قاسم بن عراق" یاد کرده است. او کتاب "غرائب الکلم فی رغائب الحکم" خود را به قاسم بن عراق تقدیم داشته است.

"شمس‌الدین ابوالفتح محمد بن علی الحجی" وزیر دیگر آتسز و نیز از ممدوحان وطواط بود (وطواط، 1339: 14، 34، 470، 577-576) وطواط مجموعه "عرائس الخواطر" خود را بنام او گرد آورده است. (وطواط، 1338: 2، 66) به استناد اشعار وطواط، شمس‌الدین نزد آتسز تقرب فراوانی داشت. (وطواط، 1339: 34) وطواط او را با شعر "امر تو در ممالک عالم شده روان" وصف می‌کند به گونه‌ای که با "امر و نهی" او "قدر" نیز برابری نمی‌کند ستوده است (همان: 14). وطواط در مدحی دیگر او را «زیور میدان» رزم و در جایی دیگر وی را "شیر" مصاف می‌خواند. (همان: 577، 35)

"صدرالدین علی"، "فقه‌الدین" و دو نفر به اسامی "تاج‌الدین" و "جمال‌الدین" از دیگر وزرای آتسز هستند که وطواط نام آنان را به ما اطلاع داده است (همان: 39، 40، 104، 276، 301، 579، 606، 609).

افزون بر آن، رشیدالدین وطواط اطلاعاتی در مورد جایگاه منصب وزارت و القاب و صفاتی که وزیر بایسته آن بود یاد کرده است. از جمله به کاربرد لقب صدر برای وزرای آتسز اشاره می‌کند (همان: 35، 40، 104، 107، 572؛ همو، 1338: 78).

همچنین وطواط برخی دیگر از صاحب منصبان خوارزمشاهی را به شرح زیر به ما معرفی کرده است:

- مهمترین این اشخاص خود رشیدالدین وطواط به عنوان رئیس دیوان انشا آتسز و یکی از شخصیت‌های اداری و علمی خوارزمشاهیان است که پیش از این شرح آن رفت.

- "مجدالملک طغرایی" از دارندگان منصب طغرایی خوارزمشاهیان (وطواط، 1338: 4) وی از اعیان رجال خراسان بود. جوینی اطلاعاتی از او در اختیار نهاده است. هنگامی که آتسز در اواخر عمر در نسا در انتظار برخی امرای خراسان از جمله محمودخان برای تدبیر کار غزان بود، چون دریافت این امر از آمدن اکراه دارند و پشیمان شده‌اند، آتسز مجدالملک عزیز طغرایی را نزدیک محمودخان فرستاد تا با محمودخان "میثاقی و عهدی بندد" (جوینی، 1367: 13/2).

- "یعقوب بن سیربن‌الجندی" صاحب دیوان انشاء آتسز بود. وطواط او را "صاحب دیوان انشاء خوارزم" و از "اعیان حکومت، و ارکان حضرت خوارزم" معرفی کرده که "در انواع فضایل و اقسام علوم و اصناف آداب یگانه" بوده است (وطواط، 1338: 59). ظاهراً این شخص تا حدود 536 ق صاحب دیوانی انشاء درباره خوارزم را برعهده داشته است، زیرا نامه موجود از رشیدالدین وطواط که در این خصوص نگاشته شده مربوط به حدود همان سال است (همان: تعلیقات، 25). احتمالاً از همین تاریخ رشیدالدین وطواط به صاحب دیوانی انشاء منصوب شده است.

- "ابوغانم بسطامی" از نایبان دیوان استیفای خوارزمشاهیان بود (همان: 170).

- "عمادالدین موید بن احمد الاسفراینی" معروف به عمادالدین دبیر از دبیران سلطان محمد خوارزمشاه. رشیدالدین وطواط "اندرزنامه الحکم‌الصالحه و الحکم‌الناصحه" خود را بنام او نوشته

است. با توجه به اینکه در این اثر از وی با عنوان «اقصى قضاء العالمين صدر صدور وزراء الشرق والغرب» یاد شده است، احتمالاً در اواخر عمر به منصب قضاوت رسیده است (همان: تعلیقات، 64، 222؛ عوفی، 1361: 36/1).

- «معزالدین ابی‌المفاخر مسعود بن یوسف بن الصدر» قاضی خوارزم یا خراسان معاصر با دوران کهنسالی رشیدالدین و طواط بود (وطواط، 1338: 244). و طواط اثر خود با عنوان «عقودالنالی و سعوداللیالی» را به نام او و با عنوان «قاضی القضاة جواد خوارزم و خراسان معزالدین اب المفاخر مسعود بن یوسف» نگاشته است.

- خواجه امام صدرالائمه، خطیب خوارزم و امام جامع خوارزم (همان: 4، 37، 209). نام کامل این خطیب بر ما آشکار نشد.

- «امام حسام‌الدین ابوحفص عمر بن عبدالعزیز» پسر امام برهان‌الدین عبدالعزیز بن مازہ بخارایی حنفی «رئیس خراسان». وی در 536 ق در جنگ قطوان پس از غلبه گورخان و هزیمت سلطان سنجر بدست گورخان کشته شد. برادر او یعنی امام شمس‌الدین صدر جهان محمد بن عبدالعزیز نیز رئیس بخارا بود (همان: 180-181، 210).

رشیدالدین و طواط شخص دیگری بنام «مجدالدین علی بن جعفر» و با عنوان «رئیس شرق صدر خراسان» را نیز مدح گفته است (وطواط، 1339: 238، 169). این شخص همان «سید شرق» یا «رئیس شرق و خراسان» علی بن جعفر سید مجدالدین ملک ابوالقاسم تاج‌المعالی است، که ادیب صابر نیز او را مدح گفته است (ادیب صابر، بی‌تا: 54، 72، 75، 89 و ...). معزی نیز در شعری از فردی بنام «رئیس خراسان تاج‌الدین منیع بن مسعود» نام می‌برد و او را مدح گفته است (معزی، 1318: 133).

- و طواط همچنین یکی از آثار خود را با عنوان «جواهر القلائد و زواهر الفرائد» را به نام «طغرل سوم قلع اسفہسالاریک ابی شجاع محمد بن الحسن بن عبدالرحیم عماد امیرالمومنین» تنظیم کرده است. ظاهراً وی از امرای ترک دستگاه خلافت عباسی بوده است.

علاوه بر صاحب منصبان دربار و کارکنان اداری ایالات، و طواط به برخی از شخصیت‌های علمی معاصر خود اشاره دارد از جمله:

- «ابومحمد خرقی» فیلسوف و از علمای دربار آتسز بود. در مکاتبات رشیدالدین و طواط،

نامه‌هایی به ابومحمد خرقی وجود دارد (وطواط، 1338: 55، 153).

- قطان مروزی پزشک، منجم و شاعر ایرانی از علمای مرو بود که وطواط با او نوشت و خواند داشت. ولی ظاهراً وی در مرو باقی ماند و به همراه آتسز به خوارزم نرفت (دانشنامه ادب فارسی، 1380: 720/1).

سوزنی از مداحان آتسز که اشعاری در مدح وی سروده است. مکاتباتی نیز با رشیدالدین وطواط دارد (سوزنی سمرقندی، 1338: 157، 158، 178، 341-342، 478). ادیب صابر شاعر دربار سنجر و احمد سعد و نعمان نیز از جمله شعرای دربار آتسز بودند. احمد سعد به واسطه توجه تاج‌الدین وزیر، به آتسز تقرب یافت. نعمان نیز از اعیان سادات ترمذ بود که وطواط به آنها اشاره دارد (وطواط، 1338: 5، 159، 256).

- جاراالله زمخشری، خواجه امام غفیف‌الدین سهلی از اعیان و علما و خواجه حسن قطان طبیب نیز از دیگر شخصیت‌هایی هستند که وطواط از آنان یاد کرده است (همان: 4، 5، 218، 219).

3- معرفی تشکیلات اداری حکومت خوارزمشاهیان

رشیدالدین وطواط در آثار خود و به خصوص مجموعه مکاتباتش اشاره‌های ارزنده‌ای به سازمان اداری خوارزمشاهیان دارد. این اطلاعات ما را در شناسایی هر چه بیشتر تشکیلات اداری خوارزمشاهیان یاری می‌رساند.

مجموعه این داده‌ها به شرح زیر قابل تفکیک است:

3-1- معرفی مناصب دیوانی

از جمله:

- اشاره به منصب وزیر و جایگاه و صفات وزرای خوارزمشاهی (نگاه کنید به همین مقاله).
- معرفی جایگاه دیوان استیفا و مستوفی الممالک و مستوفیان ایالت و وظائف آنان. به نوشته وطواط دیوان استیفا از "امهات اعمال حکومت" و "مهمات اشغال مملکت" محسوب می‌شد (همان: 78-80). مهمترین خصیصه این صاحب منصب، اعتبار او در نزد سلطان بود و لازمه کسب این اعتبار، امانت‌داری و التزام او بر جاده نیکوکاری و خویشتنداری بود (همان: 78).

و نیز نگاه کنید به نسوی، 1343: 78؛ منشی، 1381: 91. و طواط همچنین برخی از وظایف مستوفی الممالک را بر شمرده است (وطواط، 1338: 80-78-44).

- معرفی دیوان اشراف و مشرف الممالک و وظایف او (همان: 34)

- معرفی دیوان انشا و صاحب دیوان آن و برخی کارکنان دیوان از جمله «کتاب خادم»)

همین مقاله و نیز المختارات من الرسائل، 1355: 151).

- معرفی منصب محتسب در دوره خوارزمشاهیان و وظایف این صاحب منصب (وطواط،

1338: 5).

- معرفی قاضیان و قاضی القضاة و قاضیان ایالات و وظایف و صفات آنان (همان:

77 و 75 و 35).

- معرفی جایگاه و وظایف متولی اوقاف (همان: 42 - 41).

- معرفی خطیب و وظایف او (همان: 39).

- معرفی رئیس شهر و جایگاه او (همان: 180؛ و ...).

- شناخت وجود منصب امیر حاجی در این دوره و القاب او (همان: 104 و 144).

- معرفی منصب حاجبی و جایگاه این منصب (همان: 131، 144، 251).

- شناخت منصب طغرایی (نگاه کنید به همین مقاله)

- منصب وثاقباشی در معنی محافظ و خاص سلطان (همان: 113 و 1-11؛ منشی، 1381:

122).

3-2- شناخت درگاه و آداب و رسوم درباری

از جمله:

- اشاره به دربار و درگاه و جایگاه آن (وطواط، 1339: 392 و؛ همو، 1338: 91)

- اشاره به برگزاری مراسم جلوس سلطان مانند این بیت شعر

ملک آتسز به تخت ملک برآمد حکومت سلجوق و آل او بسر آمد

- امور اداری از جمله مخارج دربار (وطواط، 1338: 79)

- شناخت القاب زنان حرم (همان: 91).

3-3- اطلاعات در مورد تقسیمات جغرافیایی حکومت خوارزمشاهیان:

جند به عنوان ولیعهد نشین حکومت خوارزمشاهیان از اهمیت برخوردار بود. وطواط اطلاعات مناسبی در خصوص این سرزمین به ما می دهد. آتسز چند بار جند را فتح کرد. فتح نخست ظاهراً در حدود 524 ق و بعنوان والی سنجر صورت یافت. در ربیع الاخر 540 ق مجدداً آن را فتح کرد. فتحنامه‌ای در خصوص فتح جند در رسایل وطواط وجود دارد (همان: 71). همچنین وطواط اصطلاحات متداول در نظام اداره ایالات مانند "ولایت" و "رئیس" را به ما یادآور شده است (همان: 43 و ؛ و نیز منشی، 1381: 154).

4- اوضاع اجتماعی:

وطواط گرچه شاعر و ادیب بود ولی آثار او نشان دهنده توانمندی وی در شناخت اوضاع اجتماعی زمان خود است. تقسیم بندی‌ای که وطواط از رعایای سلطان ارائه می دهد نشان دهنده تفکر سازمان یافته اوست. وطواط همچون غالب اندیشمندان معاصرش، رعیت خوب را رعیتی می دانست که از سلطان تجلیل کند و به او احترام گذارد و دعاگوی سلطان باشد (همان: 33). همچنین از حکم و فرامین مأموران سلطان اطاعت کند (همان: 36، 40، 77، 80، 81، ... ؛ و نیز نگاه کنید به بغدادی، 1315: 29، 37، 42، 45، 89، 74، 93، 99، 109، ... ؛ متعجب‌الدین جوینی، 1329: 33، 45، 56، 85، ...).

وطواط رعایا را از دید سلطان به سه گروه تقسیم کرده است. گروه اول کسانی هستند که در خدمت سلطانند و در بارگاه سلطان "لباس حرمت و اختصاص" پوشیده‌اند. گروه دوم آنانند که ضمیر آنان به مکر آلوده است و افعال و اقوال آنان بیانگر این حقیقت است. گروه سوم عامه مردم یعنی پیشه‌وران و زارعان و دیگر مردمان هستند که "نه وفای ملوک دانند و نه جفا و نه وفاق دلالت شناسند". هدف آنان کسب معاش است و به همین لحاظ همواره در سلامتند (وطواط، 1338: 45). وی تأکید نموده که گروه اخیر نباید رنجیده شوند چون مصالح ولایت به عمل صنعتگران و دیگر طبقات جامعه است که به کار و پیشه مشغول هستند (همان: 46). وی مکرر ترضیه حال رعایا را یادآور شده است (همان: 33، 43، 81 و...).

نتیجه

فراوانی منابع دوره های مختلف تاریخ ایران یکنواخت نیست. سلسله خوارزمشاهیان از آن دسته سلاله های تاریخی است که اطلاعات ما در مورد آن و به ویژه در مباحث غیر سیاسی آن بسیار اندک است. بر همین اساس ، در بررسی تاریخ ایران در دوره خوارزمشاهیان می بایست تمامی منابع و متونی که می توانند هر چند اندک یاری رسان گردند مورد توجه قرار گیرند. در این میان به لحاظ جایگاه و طوطا در دربار خوارزمشاهیان و به خصوص اوایل حکومت این سلسله می توانیم از آثار او اطلاعات ذیقیمتی در خصوص تاریخ خوارزمشاهیان بدست آوریم. مضاف آنکه اطلاعات او مربوط به دوره های از زمان این سلسله است که متون بسیار اندکی در اختیار داریم.

از میان آثار رشیدالدین وطوطا بیشترین اطلاعات تاریخی در خصوص خوارزمشاهیان در مجموعه منشآت او و سپس در دیوان اشعارش مضبوط است. این اطلاعات به خصوص در مورد نظام اداری و اجتماعی دوره خوارزمشاهیان بسیار ارزشمند است. اطلاعات تاریخی وطوطا در سایر آثارش بسیار اندک است. این اطلاعات نیز عمدتاً در مقدمه اثر و معرفی شخصیهایی است که اثر به او تقدیم داشته شده است.

منابع

- 1- آملی، اولیاء الله (1348) تاریخ رویان. به کوشش دکتر منوچهر ستوده. تهران: بنیاد فرهنگی ایران.
- 2- ابن اثیر، عزالدین علی (1368) تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران. جج 22 تا 26. مترجم ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی. تهران: علمی.
- 3- ابن فندق (بیہقی) ابوالحسن علی بن القاسم بن زید (بی تا) تاریخ بیہق. مصحح احمد بہمنیار. تهران: فروغی.
- 4- المختارات من الرسائل (1355) به کوشش ایرج افشار. تهران: انجمن آثار ملی.
- 5- بغدادی، بہاء الدین محمد بن مؤید، (1315) التوسل الی الترسل. مصحح احمد بہمنیار. تهران: شرکت سهامی چاپ.
- 6- تاریخ شاہی قراختایان (1355) مصحح دکتر محمدابراہیم باستانی پاریزی. تهران: بی نا.
- 7- جلی، عبدالواسع (1341) دیوان شعر. جلد 2. به کوشش ذبیح الله صفا. تهران: دانشگاه تهران.
- 8- جوزجانی، منہاج السراج (1363) طبقات ناصری. جلد 2. به کوشش عبدالحی حبیبی. تهران: دنیای کتاب.
- 9- جوینی، محمد (1367) تاریخ جهانگشا. جلد 1 و 2. به کوشش محمد بن عبدالوہاب قزوینی. چ سوم. تهران: دنیای کتاب.
- 10- جہشیاری، ابو عبد الله محمد بن عبدوس (1357 ق) کتاب الوزراء و الکتاب. به کوشش مصطفی السقا و دیگران. قاہرہ: مطبعہ مصطفی البابی الحلبی و اولادہ.
- 11- _____ (1348) کتاب الوزراء و الکتاب. به کوشش مصطفی السقا و دیگران. مترجم ابوالفضل طباطبائی. تهران: بی جا.
- 12- حموی بغدادی، یاقوت شہاب الدین ابی عبد الله (1362) برگزیدہ مشترک یاقوت حموی. مترجم محمد پروین گنابادی. تهران: امیرکبیر.
- 13- _____ (1229ق). معجم الادباء. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- 14- خاقانی، افضل الدین بدیل بن علی (1375) دیوان خاقانی شروانی. جلد 1. مصحح

- دکتر میرجلال‌الدین کزازی. تهران: مرکز.
- 15- _____ (1362) منشآت خاقانی. مصحح محمد روشن. چاپ دوم. تهران: فرزاد.
- 16- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین الحسینی (1362) تاریخ حبیب‌السیر. جج 2 و 3. مصحح جلال‌الدین همایی. چ سوم. تهران: خیام.
- 17- _____ (1372) مآثر الملوک. مصحح میرهاشم محدث. تهران: رسا.
- 18- دانشنامه ادب فارسی - ادب فارسی در آسیای میانه (1380) جلد 1 ویراست دوم. به سرپرستی حسن انوشه. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- 19- راوندی، محمدبن علی بن سلیمان (1363) راحه‌الصدور و آیه‌السرور در تاریخ آل سلجوق. مصحح محمد اقبال. چاپ دوم. تهران: علمی.
- 20- رشیدالدین فضل‌الله همدانی (1373) جامع‌التواریخ. جج 1 تا 4. مصحح محمد روشن و مصطفی موسوی. تهران: البرز.
- 21- زاماور (1356) نسب‌نامه خلفا و شهریاران و سیر تاریخی حوادث اسلام. مترجم دکتر محمدجواد مشکور. تهران: خیام.
- 22- زمخشری خوارزمی، جارالله (ابوالقاسم محمودبن عمر) (1342) مقدمه‌الادب. جلد 1، به کوشش سید محمدکاظم امام. تهران: دانشگاه تهران.
- 23- سمرقندی، دولت‌شاه (1366) تذکره‌الشعرا. به کوشش محمد رضائی. چاپ دوم. تهران: کلاله خاور.
- 24- سوزنی سمرقندی، محمدبن علی (1338) دیوان شعر. مصحح دکتر ناصرالدین شاه حسینی. تهران: امیرکبیر.
- 25- عروضی سمرقندی، احمدبن علی نظامی (1368) چهارمقاله. مصحح محمد قزوینی. تهران: طهوری.
- 26- عوفی، سدیدالدین محمد (1361) تذکره لباب‌الالباب. مصحح محمد عباسی. تهران: فخر رازی.
- 27- قفس‌اوغلی، ابراهیم (1367) تاریخ دولت خوارزمشاهیان. مترجم دکتر داود اصفهانیان.

- تهران: گستره.
- 28- قیس رازی، شمس‌الدین محمد (بی‌تا) *المعجم فی معاییر اشعار العجم*. مصحح محمدبن تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- 29- معزی، محمدبن عبدالملک نیشابوری (1318) *دیوان شعر*. به کوشش عباس اقبال. تهران: اسلامیه.
- 30- منتجب‌الدین جوینی، مؤیدالدوله (1329) *عته‌الکتبه* - مجموعه مراسلات دیوان سلطان سنجر، به کوشش محمد قزوینی و عباس اقبال. تهران: شرکت سهامی چاپ.
- 31- منشی، نورالدین (1381) *وسایل الرسایل و دلائل الفضایل*. مصحح رضا سمیع‌زاده. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- 32- منشی کرمانی، ناصرالدین (1328) *سمط‌العلی للحضره‌العلیا در تاریخ قراختیایان کرمان*. مصحح عباس اقبال. تهران، اساطیر.
- 33- میهنی، محمدبن عبدالخالق (1962 م) *دستور دبیری*. به کوشش عدنان صادق ارزی. آنقره: دانشکده الهیات دانشگاه آنقره.
- 34- میرخواند، میرمحمد بن سید برهان‌الدین خواندشاه (1339) *تاریخ روضه‌الصفاء*. ج 4. تهران: مرکزی - خیام - پیروز.
- 35- نسوی، شهاب‌الدین محمد خرندزی زیدری (1365) *سیرت جلال‌الدین مینکبرنی*. مصحح مجتبی مینوی. چاپ دوم. تهران: علمی و فرهنگی.
- 36- _____ (1366) *سیره جلال‌الدین یا تاریخ جلالی*. به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر. مترجم محمدعلی ناصح. چاپ دوم. تهران: سعدی.
- 37- _____ (1343) *نفسه‌المصدر*. مصحح دکتر امیرحسن یزدگردی. تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- 38- وراوینی، سعدالدین (1355) *مرزبان‌نامه*. مصحح محمد روشن. جلد 2. تهران: بنیاد فرهنگی ایران.
- 39- وطواط، رشیدالدین محمد عمری کاتب بلخی. ابیات اوزان دوبیتی. نسخه خطی شماره 490 کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- 40- همان. اقسام عروض شعر فارسی. نسخه خطی شماره 2281، کتابخانه ملک.

- 41- همان، تحفه‌الصدیق من کلام ابی‌الصدیق، نسخه خطی شماره 947/7، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- 42- همان (1339) دیوان شعر. مصحح سعید نفیسی. تهران: بارانی.
- 43- همان (1362) حدائق‌السحر فی دقایق‌الشعر. مصحح عباس اقبال آشتیانی. تهران: سنایی و طهوری.
- 44- همان، صد کلمه منظوم یا مطلوب کل طالب، نسخه خطی شماره 4379، کتابخانه ملک.
- 45- همان (1376) لطایف‌الامثال و طرایف‌الاقوال. مصحح حبیبه دانش‌آموز. تهران: میراث نشر مکتوب.
- 46- همان (1365) مطلوب کل طالب. مصحح محمود عابدی. قم: بنیاد نهج‌البلاغه.
- 47- همان (1338) نامه‌های رشیدالدین. مصحح دکتر قاسم تویسرکانی. تهران: دانشگاه تهران.